

## دکتر جاناتان گریر، باستان‌شناسی و عهد عتیق جلسه ۵، زمینه‌های فرهنگی،

جاناتان گریر و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر جاناتان گریر و آموزه‌های او در مورد باستان‌شناسی در عهد عتیق هستم. این جلسه ۵، زمینه‌های فرهنگی است.

دوباره سلام. ما با آخرین سخنرانی خود اینجا هستیم و قرار است در مورد زمینه فرهنگی صحبت کنیم. بنابراین، کمی به ساختار اجتماعی، شیوه‌های غذایی و همچنین مذهب نگاه خواهیم کرد و فقط به صورت سطحی، همانطور که در هر یک از این سخنرانی‌ها بوده است، خواهیم پرداخت، امیدواریم که علاقه شما را برای مطالعات آینده برانگیزد. اما وقتی به ساختار اسرائیل باستان فکر می‌کنیم، یک مدل رایج، مدل خانه موروثی است که توسط لری استیگر، دیوید اسلون، دن مستر و تعدادی دیگر محبوب شده است، که به توصیفات کتاب مقدس نگاه می‌کند و آنها را با الگوهای خاصی از جامعه سنتی می‌شناسیم مرتبط می‌کند و همچنین ارتباط نزدیکی با باستان‌شناسی دارد، که در کوچکترین واحد، این خانه پدر، این خانواده محدود را می‌بیند که در آن یک شخصیت مرد مرکزی و فرزندانش و سپس خانواده‌های گسترده داریم.

ما حتی بازتابی از این را در معماری، کاوش‌های معماری اسرائیل باستان می‌بینیم. سطح بعدی، سطح قبیله و تا قبیله خواهد بود. و سپس، در نهایت، در صدر این دوره، الوهیت قرار خواهد گرفت.

بنابراین، برای اسرائیل باستان، این یهوه است. و می‌توانید ببینید، حتی به شکلی که اینجا با یک علامت اسلش به تصویر کشیده شده است، الوهیت و پادشاه هر دو به نوعی جایگاه یکسانی را اشغال می‌کنند. و این تا حدودی به این موضوع می‌پردازد که چرا در دوران سلطنت، اگر هنوز، همانطور که بسیاری می‌گویند، تلاش می‌شود سلطنت در این مدل خانواده موروثی جا داده شود، پس رابطه الوهیت و پادشاه چه می‌شود؟ به خصوص اگر به بحث قبلی‌مان در مورد داشتن تصویر برگردیم، اگر همه انسان‌ها حامل تصویر مشترک هستند، این پادشاه کجاست؟ او چگونه بین ساختارهای اجتماعی خانواده و الوهیت قرار می‌گیرد؟ بنابراین، ما شاهد این تنش در کتاب مقدس هستیم.

اگر به زندگی روزمره یک اسرائیلی باستان فکر کنیم، زندگی روزمره آنها چگونه بوده است؟ زندگی آنها بیشتر به صورت امرار معاش بوده است، جایی که بخش زیادی از روز شما صرف فکر و عمل در مورد آنچه می‌خورید جمع‌آوری غذا، تهیه غذا و آماده شدن برای مواقع بی‌غذایی می‌شد. اولین نگرانی شما آب بود. و می‌توانستید آب باران را در مخازن جمع‌آوری کنید.

این عکسی از یک آب‌انبار مربوط به دوران هلنیستی است که کمی پس از یک رگبار باران گرفتیم، و می‌توانید ببینید که آب چقدر سبز است. شاید هشدارهایی را به یاد بیاوریم، به خصوص در کتاب ارمیا، که آب زنده‌ای را که از چشمه به آب مخزن می‌ریزد و در طول سال راکد می‌شود، با آب زنده‌ای که از چشمه به مخزن سرازیر می‌شود و در طول سال راکد می‌شود، مقایسه و مقابله می‌کند، و ارمیا که گناهان متعدد اسرائیل را به یاد می‌آورد، که آب زنده را به خاطر آب مخزن رها کردند. و حتی آب مخزن هم خوب نبود، چون گچ ترک خورده بود و نشست می‌کرد.

بنابراین، شما برخی از این تصاویر روزمره را می‌بینید که به استعاره‌ها و زبان کتاب مقدس راه پیدا می‌کنند. اما آب، آب، آب. این چیزی است که اگر به باز کردن شیر آب و جاری شدن آب دسترسی داشته باشیم، واقعاً نمی‌توانیم در بافت مدرن خود قدر آن را بدانیم.

اما آب باید از آب‌انبارها یا از چشمه یا از رودخانه‌ها یا از چاه‌ها جمع‌آوری می‌شود، و این کار بسیار گسترده می‌بود. ما همچنین وادی‌ها، مناطق فصلی جریان آب، داریم که در بیشتر سال خشک بوده‌اند و سپس در فصل بارندگی با نیروی سیل ناگهانی طغیان می‌کردند، که هنوز هم تا به امروز بسیار خطرناک است. و ما می‌توانیم از طریق بررسی‌های باستان‌شناسی از چشم‌اندازها و هماهنگی آن با سکونتگاه‌ها و تمدن‌ها، در مورد منابع آب اطلاعات کسب کنیم.

محصولاتی که کشت می‌شدند شامل انگور و خرما، گندم و جو، انار، انجیر و عسل بودند. پیش از این تصور می‌شد که وقتی از این سرزمین به عنوان سرزمین شیر و عسل صحبت می‌شود، منظور عسل خرما است. خب، اکنون، با کشف زنبورستان‌ها و کندوهای زنبور عسل در تل رهوف، می‌توانیم بگوییم که شاید عسل زنبورها نیز باشد. شاید هر دو باشد، اما آنها قطعاً عسل مصرف می‌کردند.

بسیاری از گیاهان، میوه‌ها و سبزیجات غیرحیوانی که آنها مصرف می‌کردند، از طریق مطالعه‌ی میکروباستان‌شناسی، که با نگاه به بقایایی که با چشم غیرمسلح نمی‌توانیم ببینیم اما می‌توان آنها را با میکروسکوپ کشف یا شناسایی کرد، برای ما قابل دسترسی هستند. دام، گوسفند، بز، گاو و همچنین شکار شکار بخش مهمی از هر جامعه‌ی باستانی بود و برخی اظهار داشته‌اند که تمایز آشکار بین شکار و دام اهلی حتی ممکن است محو شده باشد.

اما ما در سوابق استخوان حیوانات، عمدتاً استخوان‌های گوسفند، بز و گاو را می‌بینیم. این سه نوع استخوان اصلی حیوانات هستند که ما پیدا می‌کنیم. تعداد کمتری از حیوانات وحشی، به ویژه غزال و گوزن، وجود دارد اما همانطور که در مورد آن صحبت کردیم، شواهد محدودی از خوک‌ها و همچنین استخوان‌های حیوانات از وسایل نقلیه دنیای باستان نیز داریم.

بنابراین، بیشتر سفرها پیاده انجام می‌شد، اما وقتی وسیله نقلیه یا صندوق عقب قابل حملی داشتید، به احتمال زیاد، الاغ در این زمینه حمل‌کننده بار ترجیحی بود و شترها اغلب برای تجارت در مسافت‌های طولانی در هزاره اول استفاده می‌شدند. بنابراین در اینجا باستان‌شناسی جانوری با بررسی تجزیه و تحلیل استخوان‌های حیوانات از مکان‌های باستان‌شناسی به ما کمک می‌کند. ماده اصلی رژیم غذایی نان بوده است، نانی از گندم و جو، و ما از طریق باستان‌شناسی، تحقیقات قوم‌نگاری و همچنین در کتاب مقدس، کاشت برداشت، خرمن‌کوبی، بوجاری، الک کردن و فرآوری، اطلاعات زیادی در مورد فرآیند تبدیل دانه به نان داریم.

ما ابزارهای آهنی را کشف کرده‌ایم که نوک گاوآهن‌ها بوده‌اند، که یا با نیروی انسان یا حیوان زمین را شخم می‌زدند. سپس آنها بذری را که از محصول قبلی ذخیره شده بود، می‌پاشیدند و سپس، با رشد مزارع، بقایای باستانی داس‌هایی را نیز داریم که احتمالاً چوبی بوده‌اند و تیغه‌های سنگ چخماقی در آنها کار گذاشته شده بود. گاهی اوقات، از استخوان نیز استفاده می‌شد.

و سپس این غلات یا ساقه‌ها جمع‌آوری می‌شدند و توسط سورت‌م خرم‌کوبی زیر گرفته می‌شدند. بنابراین شما تصویری نسبتاً مدرن از شکل سورت‌م خرم‌کوبی دارید، که در کف سورت‌م تکه‌هایی از سنگ یا فلز، یا سایر مواد سخت وجود داشته که سپس روی ساقه‌ها کشیده می‌شدند تا سر از گاه جدا شود. و سپس مرحله بعدی بوجاری و الک کردن بوده است.

و در اینجا تخته سنگ‌های بستر نمایان در مکان‌های بادخیز را می‌یابیم که در آنها، با ابزارهایی شبیه چنگک مخلوط دانه و ساقه ریخته و سپس غربال می‌شد تا گاه با باد برده شود، و سپس دانه‌ها روی زمین می‌افتادند و در آنجا جمع‌آوری می‌شدند تا با سنگ‌های آسیاب فرآوری شوند. ما سنگ‌های آسیاب زیادی را در کاوش‌های باستان‌شناسی پیدا می‌کنیم. سنگ زین برای کف و سنگ آسیاب در بالا، و همانطور که می‌بینید این یک نمونه مصری از فرآیند آسیاب کردن دانه و تبدیل آن به آرد است.

سپس خیلی زود در تمدن بشری، متوجه شدند که اگر کمی آرد را برای مدتی با آب تنها بگذارید، در این فرآیند طبیعی با استفاده از مخمر هوا شروع به تخمیر می‌کند و نان به اصطلاح خمیر ترش دقیقاً همان چیزی است که نان تا اختراع مدرن مخمر است. و سپس، همانطور که با هم مخلوط می‌شوند، به آرد و آب اجازه می‌دهند تا ور بیایند و سپس در فرهایی که دارند یا تابون‌ها پخته می‌شوند. بنابراین، این فرآیند پخت نان هنوز در بسیاری از جوامع سنتی انجام می‌شود.

و باز هم، شما استعاره‌هایی برای پخت نان در سراسر کتاب مقدس می‌بینید. یکی از نمونه‌های مورد علاقه من، از آن کتاب عاموس است که ظاهراً هر فرآیند، خب، برداشت زیادی هم دارد، اما هر مرحله از پخت نان صحبت از تنورهای داغ و غیره و غیره است. اما ما این نوع استعاره‌ها را می‌بینیم که ریشه در دنیای واقعی اسرائیل باستان دارند و در سراسر داستان کتاب مقدس به کار رفته‌اند.

زیتون یکی دیگر از محصولات بسیار مهم بود و می‌توانید چند فیلم ویدیویی که من اخیراً از نحوه برداشت آن با استفاده از یک چوب بلند و زدن درخت، و استفاده از یک پوشش یا پتو برای جمع‌آوری زیتون‌های در حال سقوط گرفته‌ام را ببینید. از آن برای اهداف آرایشی و بهداشتی برای چرب کردن پوست خشک و همچنین برای سوخت چراغ‌های زیتون که عصرهایشان را روشن می‌کرد، استفاده می‌شد. روش‌های تولید روغن چیز دیگری است که می‌توانیم از طریق باستان‌شناسی شناسایی کنیم.

ما شواهدی برای فرآیند شراب‌سازی نیز داریم، اما برجسته‌ترین شواهد باستان‌شناسی نمونه‌هایی از فرآیند پرس کردن زیتون هستند، که در آن زیتون‌ها جمع‌آوری شده و در ظرفی قرار می‌گرفتند که روی آن سنگ آسیاب چرخانده می‌شد تا خمیری از زیتون‌ها ایجاد شود که شامل هسته‌ها و تفاله، یعنی دانه‌ها، می‌شد. و سپس این خمیر جمع‌آوری شده و در سبدهایی قرار داده شده و روی سنگ پرس قرار می‌گرفت. و می‌توانید شیاری را که در آن فرو رفته است، ببینید.

و سپس وزنه‌هایی به تیرک انتهای دیگر دستگاه فشار دهنده اعمال می‌شد که سبدها را فشرده می‌کرد. و بنابراین، دستگاه‌های فشار دهنده مختلفی وجود داشتند که روغن را از شیار پایین می‌آوردند و در یک ظرف سرامیکی جمع می‌شدند. بنابراین، ما شواهد باستان‌شناسی از این دستگاه‌های فشار دهنده شراب را در سراسر سرزمین‌ها و برخی تغییرات سبکی را از دوره‌ای به دوره دیگر پیدا می‌کنیم، اما شواهد زیادی از این موضوع در اسرائیل باستان می‌یابیم.

از دیگر فناوری‌هایی که برای زندگی روزمره مهم بوده‌اند می‌توان به سفالگری اشاره کرد، که در آن خاک رس را می‌گرفتند، قبل از پخت، مواد مختلفی را با بافت ظرف مخلوط می‌کردند و بسته به نوع دمایی که این ظرف نهایی در معرض آن قرار می‌گرفت، خاک رس را به روش‌های خاصی حرارت می‌دادند. بنابراین، برای مثال، برای ظروف پخت و پز، اغلب از حرارت دادن استفاده می‌کردند تا مطمئن شوند که ظرف پخت و پز می‌تواند در برابر قرار گرفتن مستقیم روی آتش مقاومت کند. و بنابراین، آنها از سفال برای پخت و پز، نگهداری و خوردن و آشامیدن استفاده می‌کردند.

منسوجات نیز. ما شواهد باستان‌شناسی از تولید منسوجات داریم. آنچه در سوابق باستان‌شناسی باقی مانده است، برخلاف سفالگری که در هر سطحی که جمع‌آوری می‌شود، تکه‌های شکسته سفال پیدا می‌کنیم، اما در مورد منسوجات، در نسل‌های گذشته، تنها بقایای آن وزنه‌های دستگاه بافندگی بوده است که رشته‌های عمودی را به عنوان بخشی از دستگاه بافندگی آویزان می‌کرده‌اند.

اکنون می‌توانیم از طریق میکروباستان‌شناسی شواهدی از منسوجاتی را ببینیم که با چشم غیرمسلح از بین رفته‌اند، و در برخی موارد نادر، منسوجاتی داریم که در شرایط بسیار خشک دره اردن و نقب حفظ شده‌اند.

همچنین شواهدی از دباغی و چرم داریم که در لباس و سپس در دوره‌های بعدی برای پوست نیز استفاده می‌شده است. ساخت و ساز با چوب و سنگ انجام می‌شده است.

در واقع، بیشتر سنگ بود تا چوب. چوب کمیاب بود، بنابراین بیشتر دیوارها و سازه‌ها با سنگ ساخته می‌شدند و چوب تیره‌های لازم برای پوشاندن آن فضا بود. متالورژی هم همینطور.

ما تکنیک‌های مختلفی داریم که مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند و شواهد باستان‌شناسی از برخی از این تأسیسات متالورژیکی داریم که هنوز هم می‌توان آنها را از نظر باستان‌شناسی شناسایی کرد، از جمله خرده‌های کوچک، تکه‌های کوچک فلز که گاهی اوقات می‌توان آنها را به عنوان ذوب در جایی که سنگ معدن استخراج می‌شود، برداشت کرد. در موارد دیگر، تأسیسات ذوب داریم که در آن اقلام فلزی موجود در یک بوته قرار می‌گیرند تا ذوب شوند و دوباره استفاده شوند. با یافتن ابزارهای فلزی از نظر باستان‌شناسی، آنها را به آن اندازه که ممکن است تصور شود، پیدا نمی‌کنیم زیرا این ابزارها بی‌پایان بازیافت و دوباره استفاده می‌شدند.

فرد ابزار فلزی را دور نمی‌ریزد، بلکه آن را برای استفاده مجدد ذوب می‌کند. یکی دیگر از جنبه‌های مهم فرهنگ باستانی اسرائیل، جنبه مذهبی آن است. ما تصویری از مذهب اسرائیل را در اعمال توصیف شده در کتاب مقدس به دست می‌آوریم و سپس به سوابق باستان‌شناسی مراجعه می‌کنیم و با آنچه می‌یابیم، طنین‌های زیادی پیدا می‌کنیم.

اکنون، ما شواهد بسیار زیادی پیدا می‌کنیم که نشان می‌دهد آنها فقط یهوه را نمی‌پرستیدند، و برخی این را به عنوان مدرکی برای نوعی نمایش شرک‌آلود از اسرائیل باستان مطرح می‌کنند. اما باید به خاطر داشت که با خواندن دوباره متن کتاب مقدس، هر نوع وفاداری به یهوه، چه رسد به یهوه به تنهایی، قطعاً به عنوان نظر اقلیت مطرح می‌شود. بنابراین، اگر کسی کتاب‌های پادشاهان یا انبیا را بخواند، متوجه می‌شود که مردم در واقع تعدادی از خدایان را می‌پرستیدند و آنها را به هم پیوند می‌دادند و با پرستش یهوه ترکیب می‌کردند، که در واقع همان چیزی است که ما اغلب در سوابق باستان‌شناسی می‌یابیم.

بنابراین، من این را نه به عنوان یک ناهماهنگی، بلکه به عنوان طنینی دقیقاً با وضعیتی که کتاب مقدس توصیف می‌کند، می‌بینم. همانطور که اشاره کردم، ما با دیدگاه کتاب مقدس پیچیدگی‌هایی داریم. اما ما همچنین شواهد باستان‌شناسی داریم که می‌تواند به ما در درک نحوه‌ی اجرای دین بنی‌اسرائیل کمک کند.

البته رفتن از عمل به باور پیچیده‌تر است، اما این ابزارهایی که ما داریم، بقایای مادی و بقایای شمایل‌نگاری و حتی بقایای نام‌شناسی، نام‌ها، می‌توانند به ما کمک کنند تا کمی از تصویر این پادشاهی‌ها را بازسازی کنیم، به عنوان یک موازی قوم‌نگاری، دوباره، جایی که می‌توانیم به قیاس بین مردمان باستان و مردمان جدیدتر که در جوامع سنتی زندگی می‌کنند، مقایسه‌هایی انجام دهیم. وقتی به مکان‌های فرقه‌ای فکر می‌کنیم، و باید مشخص کنم که منظورم از فرقه چیست، گاهی اوقات وقتی می‌گویم فرقه، مردم فرقه‌گرایانی را در نظر می‌گیرند که منتظر آمدن بشقاب پرنده‌ها یا چیزی شبیه به آن هستند. من در اینجا صرفاً به عنوان فرقه به عنوان عمل دین، فرقه به عنوان عمل دین صحبت می‌کنم.

بنابراین، اگر به دنبال تأسیسات فرقه‌ای هستیم، در واقع به مکان‌هایی نگاه می‌کنیم که در اسرائیل باستان، دین در آنها رواج داشته است. در شناسایی چنین مکان‌هایی، انسان‌شناسان معیارهایی را ارائه داده‌اند که می‌تواند به ما در شناسایی مکان‌های عبادت کمک کند. برخی از آنها کاملاً واضح هستند، مانند هرگونه نماد یا تصویری از یک خدای خاص یا کتیبه.

در موارد دیگر، ما شروع به دیدن الگوهای تکراری در فرهنگ مادی می‌کنیم که ممکن است نشان‌دهنده نوعی فعالیت آیینی باشد، نوع خاصی از مصنوعات که به مقدار زیاد در یک مکان یافت می‌شوند، مجسمه‌هایی که

در یک مکان خاص دفن شده‌اند، یا تراکم استخوان‌های حیوانات در یک گودال به همراه ظروف دیگر برای سوزاندن عود یا تصاویر و غیره. بنابراین، ما از مجموعه‌ای از داده‌ها برای ایجاد مکان‌های مختلف فرقه‌ای و مراکز عبادت مختلف در جهان باستان به طور کلی، و در اینجا به ویژه در اسرائیل باستان استفاده می‌کنیم. آنها از گوشه‌های بسیار کوچک به اصطلاح فرقه‌ای، که در آنها اتاق‌های کوچکی پیدا می‌کنیم، معمولاً با نیمکت‌ها، و مشعل‌های بخور یا پایه‌های نقاشی شده، گاهی اوقات تصاویر و به ویژه ظروف غیرمعمول متغیر هستند.

هستند، و گاهی اوقات، حتی مجسمه‌های (zomorphic) گاهی اوقات، آنها به شکل حیوانات جانورسان کوچک هم پیدا می‌کنیم. و بنابراین، ما این چیدمان‌های کوچک، به اصطلاح گوشه‌های فرقه‌ای، را داریم، و سپس، در نمونه‌های بسیار کمی، معابد بزرگتر، معابد بزرگتری نیز داریم. ما یک معبد در آراد، دن، و یک کشف جدید از یک معبد در موتزا داریم.

شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد یک قربانگاه بزرگ در بئرشیع وجود داشته است. و همچنین برخی مکان‌های قدیمی‌تر از عصر آهن اول وجود دارند که با پرستش اسرائیل باستان مرتبط بوده‌اند. یکی از مکان‌های مورد بحث در کوه عیبال است که به نظر من، به نظر می‌رسد یک زیارتگاه باشد، اما در سنت کتاب مقدس، پیچیدگی‌هایی در زمینه‌های نقد متن وجود دارد که اگر به دنبال قربانگاهی هستیم که در متون کتاب مقدس توصیف شده است، شاید باید آن را در جرزیم جستجو کنیم.

بنابراین، تشخیص در مورد ایبال دشوار است، اما فکر می‌کنم شواهد خوبی وجود دارد که نشان می‌دهد واقعاً یک زیارتگاه است. اینکه این، ساخت آن، را باید به چه کسی نسبت دهیم، هنوز مورد بحث است. محل گاو نر یکی دیگر از یافته‌های هیجان‌انگیز است که مطمئناً شواهدی از تکریم آیینی را نشان می‌دهد، و یک گاو نر کوچک که در آنجا پیدا شده است که بسیاری آن را به پرستشی که در کتاب مقدس توصیف شده و با تصاویر گاو مرتبط است، مرتبط دانسته‌اند.

بنابراین، ما می‌دانیم که گاو نر نمادی رایج در ادیان کنعانی و بسیاری از ادیان دیگر آن زمان بوده است، و می‌بینیم که این نماد در داستان خروج ۳۲ و اول پادشاهان ۱۲ نیز دیده می‌شود، و به ویژه با دین شمالی در آن زمینه‌ها مرتبط است. در تل دن، همانطور که قبلاً اشاره کردم، در اینجا عکسی از آنجا وجود دارد که در آن سازمان پارک‌ها، چارچوب فلزی را برای بزرگترین قربانگاه این سبک چهار شاخ که تاکنون در هر کجای این سرزمین کشف شده است، بازسازی کرده است. می‌توانید ببینید که اینها شاخ‌ها هستند، اما واقعیت این است که ما فقط یکی از آن شاخ‌ها را پیدا کردیم که در کاربرد ثانویه استفاده می‌شد، و بنابراین ما آن اندازه را بر اساس پایه قربانگاه بازسازی می‌کنیم.

اما تعدادی از ویژگی‌های مهم باستان‌شناسی در آن مکان وجود دارد که نشان می‌دهد، در واقع، حداقل به تعبیر من، ما در این پناهگاه پرستش یهوه را داریم. بنابراین، ما تطابقی از بقایای استخوان حیوانات داریم که به خوبی با دستورالعمل‌های قربانی، همانطور که در مطالب مربوط به کاهنان کتاب مقدس آمده است مطابقت دارد. برخی از این موارد موضوع برخی از تحقیقات پایان‌نامه من بود که اشاره کرد که تطابق بالایی بین بخش‌های سمت راست با فضایی که به کاهنان متصل بود، در مقابل بخش‌های سمت چپ در حیاط وجود دارد.

و سپس از نسخه‌های کاهنان به یاد می‌آوریم که به کاهنان شانه راست یا ران راست داده می‌شد، بسته به اینکه کدام متن را می‌خوانیم، و اگر متن یونانی یا عبری را می‌خوانیم، یک ارتباط جذاب وجود دارد. و سه یا چهار ارتباط دیگر با استخوان‌های حیوانات وجود داشت. همچنین، همانطور که در اسلاید بعدی خواهید دید، برخی از مصنوعات هیجان‌انگیز وجود دارد که با توصیفات کتاب مقدس از پرستش یهوه مرتبط هستند.

و در واقع، مهری با یک نام، یک نام تئوفوریک، پیدا شد که شامل عنصر نام الهی یهوه است. بنابراین همانطور که می‌توانیم این قطعات را کنار هم بگذاریم، شواهد زیادی وجود دارد که خدایی که در تل دان پرستش می‌شد، در واقع یهوه بود، قطعاً در قرن هشتم و به احتمال زیاد برای قرن نهم، و من این را حتی به آن دوره گذار هم عقب می‌برم، اگرچه بسیاری از این باستان‌شناسی هنوز در حال ارزیابی است. ممکن است برخی از پیکربندی‌های معماری تغییر کرده باشد.

بنابراین، باید صبر کنیم و ببینیم. اما این معبد در تل موتزا که فاصله چندانی با اورشلیم ندارد و قدمت آن به قرن‌های نهم و هشتم پیش از میلاد مسیح برمی‌گردد، هیجان و سوالات زیادی را نیز ایجاد کرده است که چگونه با توجه به نزدیکی به اورشلیم، این معبد چه ارتباطی با معبد اورشلیم دارد؟ صحبت از معبد اورشلیم یا بهتر است بگوییم معبد، همان معبدی که وقتی در مورد متن کتاب مقدس صحبت می‌کنیم به ذهنمان می‌رسد، پیچیدگی‌های زیادی در تلاش برای درک شکل ظاهری و نحوه عملکرد آن داریم و بزرگترین مشکل این است که هیچ بقایای مادی از آن نداریم. گفته می‌شد که یک انار وجود داشته است، اما از آن زمان این موضوع مورد سوال قرار گرفته است، و شاید یک اثر باستانی بازسازی شده و یک اثر جعلی در یکجا جمع شده باشد.

اما ما شواهد بسیار کمی، اگر نگوئیم هیچ، برای اولین معبد، به اصطلاح اولین معبد سلیمان داریم. و به یاد داشته باشید، توصیفات کتاب مقدس، معبد را در مکان‌های مختلف تاریخ توصیف می‌کنند. آنها حتی به بازسازی‌هایی که در زمان‌های خاص انجام شده است نیز اشاره می‌کنند.

بنابراین، روایات کتاب مقدس تصویری ترکیبی از شکل ظاهری معبد ارائه می‌دهند. با این وجود، ما نمونه‌های تطبیقی شگفت‌انگیزی داریم، برخی از مواد تطبیقی باستان‌شناسی شگفت‌انگیز که می‌توانند اطلاعات زیادی در مورد انواع چیزهایی که توصیف می‌شوند، از پنجره‌های توکار گرفته تا پایه‌های متحرک کره اسب و شمایل‌نگاری کروبیان، به ما بدهند. آنها نوزادان تپل از دوره رنسانس نبودند، بلکه جانوران نگهبان وحشی با چهره‌های انسانی، بدن شیر و بال بودند.

اینها جانوران نگهبانی هستند که ما در دو طرف معبد آنها را داریم، که شباهت‌های زیادی با توصیف معبد سلیمان با اتاق‌های جانبی، ایوان، تالار و قدس‌الاقداص دارد. بنابراین، ما نمونه‌های زیادی از نقوش شمایل‌نگاری، ویژگی‌های معماری، این ساختار به اصطلاح سه‌گانه پیشرفت از ایوان به تالار اصلی و به قدس‌الاقداص داریم. ما برخی از این‌ها را در تل دان نیز داریم.

تزییناتی که از شمایل‌نگاری‌های خاور نزدیک باستان‌شناسیم، از گل‌های رز گرفته تا کروپی‌ها و نخل‌ها پنجره‌های توکار و انارها و موارد دیگر. همچنین پایه‌های کره اسب مختلفی داریم که برای بخور دادن یا شاید برای کاسه‌هایی که در آنها شراب می‌ریختند یا بخور می‌سوزاندند و حتی جعبه‌های محراب استفاده می‌شدند. بنابراین این مثال را از تل دان که قبلاً به آن اشاره کردم و در تالارهای غربی پیدا شده است، می‌آورم.

خب، این یک نمای کلی است. و در یک اتاق کوچک اینجا در تالار غربی، کنار یک محراب کوچک به ابعاد یک در یک متر، چند وسیله بسیار جالب پیدا می‌کنیم. یکی از آنها این کاسه برنزی زیبا است.

دیگری یک جفت بیل است. این دو بیل که شبیه هم به نظر می‌رسند، یکی روی دیگری پیدا شده‌اند. نوعی سویی از بیل دسته بلند.

و همچنین یک ظرف گود داشتیم که پر از بقایای سوخته حیوانات بود. نکته شگفت‌انگیز در مورد این تمرکز آثار باستانی این است که وقتی به متون کتاب مقدس در مورد اجزای یک خیمه یا جعبه محراب معبد نگاه

می‌کنیم، عناصر بسیار خاصی دارد. یک کاسه خون دارد، یک جفت دارد، همیشه یک جفت دارد، بیل‌های خاکسترزدایی، یک بیل عود، یک کوزه خاکستر، و در برخی فهرست‌ها یک چنگال هم دارد.

بنابراین، در برخی تحقیقات اولیه، من این کاسه را به کاسه خون کتاب مقدس که خون یک حیوان قربانی را برای پاشیدن به محراب در خود نگه می‌داشته، مرتبط می‌دانستم. این جفت بیل، همانطور که در توصیف آن دو بیل آمده است، همیشه در کنار کاسه در متن کتاب مقدس قرار دارد. از تصاویر بعدی که از بیل‌های بخور در دوره‌های رومی و بیزانسی دیده‌ایم، می‌دانیم که آنها اغلب دارای سطح بسیار بزرگتری برای سوزاندن بخور هستند.

و همانطور که اشاره کردم، کوزه خاکستر، قبلاً یکی از آنها را در متن کتاب مقدس داشتیم. ظاهراً قابل حمل هستند و از فلز ساخته شده‌اند. این یکی سرامیکی است.

داشتم با یکی از دوستانم صحبت می‌کردم که تنها چیزی که پیدا نکردم چنگال بود. او هم داشت روی مطالب مشابهی کار می‌کرد. اسمش اندرو دیویس است که الان در کالج بوستون درس می‌خواند.

و او گفت، آیا برگشتی و سوابق را بررسی کردی؟ یک دسته فلزی بلند در آستانه این اتاق پیدا شد. بنابراین، ما حتی ممکن است چنگال را هم داشته باشیم، چون به چنگال سه شاخه‌ای که دو شاخه‌اش شکسته باشد چه می‌گویند؟ شما به آن دسته فلزی بلند می‌گویید. بنابراین شاید همه آنها را داشته باشیم.

در واقع، همه فهرست‌های موجود در متن کتاب مقدس چنگال ندارند. بنابراین، این فهرست‌ها و موارد دیگر باز هم، نشان‌دهنده همبستگی قوی با چیزی از کتاب مقدس و باستان‌شناسی هستند. مثال دیگر این است که ما، مجسمه‌های ستونی یهودی یا یهودی را پیدا می‌کنیم JPF ما در سراسر اسرائیل و یهودای باستان، به اصطلاح می‌کنیم که یک زن را به تصویر می‌کشند و گاهی اوقات با پرستش اشاره به عنوان تصاویر الهه کوچک مرتبط بوده‌اند.

دیگران گفته‌اند نه، نه، نه. اشاره یک خدای اواخر عصر برنز است. ما در حال بررسی جزئیات این موضوع هستیم.

آیا اشاره اصلاً در این دوره زمانی یک خدا بوده است؟ یا عناصری وجود دارند که یادآور پرستش اشاره هستند بدون اینکه تصاویر واقعی او باشند؟ برخی دیگر می‌گویند که اینها دعاهایی در گل رس یا نوعی طلسم برای کمک به زنان در روند بارداری و شیردهی هستند. بنابراین، حکم هنوز قطعی نیست. اما نکته عجیب این است که غلظت بالایی از اینها در خود اورشلیم در طول دوره‌های برخی از وفادارترین پادشاهان، از دیدگاه کتاب مقدس، یعنی پادشاهان حزقیا و یوشیا، یافت شده است.

اما از طریق یافته‌هایی مانند این، می‌توان به برخی از فرهنگ مادی پرستش بنی‌اسرائیل باستان پی برد. مدرک دیگری که می‌توانیم ارائه دهیم، شواهد نام‌شناسی است، یعنی نام‌هایی از این دوره زمانی کتاب مقدس بنابراین، ما نام‌هایی در کتاب مقدس داریم، و همچنین نام‌هایی داریم که می‌توان آنها را از نظر باستان‌شناسی شناسایی کرد.

خب، این مهر حزقیا است، و اینها تصاویری از سفالینه‌های سامره هستند، تکه‌هایی از سفال که شاید اساساً به عنوان کاغذ یادداشت، رسید، ردیابی محموله‌های روغن زیتون مربوط به قرن نهم یا شاید هشتم استفاده می‌شدند. اما با نگاه به این نام‌ها، آنچه از نظر مسئله دین خاص این است که بسیاری از این نام‌ها، نام‌های تئوفوریک هستند. یعنی، آنها عنصری از نام یک خدا را در نام خود دارند.

بنابراین، اسم من یوناتان است، یو-ناتان. یو، به عنوان شکل کوتاه شده‌ی یهوه، ناتان داده است، بنابراین یهوه داده است. اسم من یک اسم تئوفوریک است.

ما نام‌های تئوفوریک داریم و شما آنها را شنیده‌اید. یهوه شکل کوتاه شده‌ی یهوه است. ارمیا، حزقیا و زکریا نام‌های تئوفوریک هستند.

اما ما همچنین نام‌های تئوفوریک با خدایان دیگر، با بعل، با حداد و غیره داریم. بنابراین، با ردیابی برخی از شواهد نام‌شناسی، می‌توانیم خدایانی را که در زمینه‌های خاص پرستش می‌شدند، حدس بزنیم. برخی می‌توانند تا حد توزیع جغرافیایی و همچنین زمانی حدس بزنند و محبوبیت نام‌ها را به عنوان نوعی مطابقت با خدایان مورد پرستش در آن زمینه‌ها دنبال کنند.

حالا، همیشه هم جواب نمی‌دهد. من زمانی یک دانش‌آموز مسیحی به نام محمد داشتم. والدینش، یکی مسیحی و دیگری مسلمان بودند.

بنابراین، همیشه با دین مردم مطابقت ندارد. اما در بافت‌های باستانی، به ویژه جایی که خدایان به گروه‌های قومی خاص و به یک منطقه وابسته بودند، نه در بسیاری از بافت‌های مدرن که در آن می‌توان یک دین یا یک تغییر دینی را انتخاب کرد، آنها چیزی در مورد تصویر کلی از اهمیت پرستش می‌گویند. اکنون، شما نمونه‌هایی در کتاب مقدس دارید که در آنها نام‌ها تغییر کرده‌اند و غیره.

اما تا جایی که به خدایانی که در زمان‌های خاص پرستش می‌شدند مربوط می‌شود، می‌تواند الهام‌بخش و مفید باشد. از بسیاری جهات، کتیبه‌های خاص، به ویژه کتیبه‌های طولانی، مفیدترین هستند. اکنون، تعداد زیادی از آنها را نداریم، اما دو کتیبه که هیچان زیادی ایجاد کرده‌اند، خربه القم و قنطلة الجارود، از یهوه و اشاره او نام برده‌اند.

و برخی حتی گفته‌اند که شمایل‌نگاری به تصویر کشیده شده بر روی سنگ قبر قینتیلات الجارود، قرار است تصویری از یهوه و اشاره او باشد. به نظر می‌رسد که شمایل‌نگاری و کتیبه در زمان‌های مختلفی انجام شده است، اما شاید شخص دیگری این شکاف‌ها را پر کرده باشد؟ بحث‌های زیادی در مورد این چیزها وجود دارد و حتی، اشاره او به چه معناست؟ زیرا ما معمولاً پسوند ضمیری روی نام یک شخص، و نه کمتر از آن، نام یک خدا، نداریم.

آیا اشاره او هم همینطور است؟ آیا اشاره یک وسیله، یک درخت مقدس یا نوعی تصویر یادآور یک خدای زن است، اما در واقع به پرستش یهوه اختصاص داده شده است؟ من در مورد برخی از مسیحیان شنیده‌ام که حتی در ماه دسامبر درخت کریسمس دارند، جایی که دوباره از آنچه قبلاً یک نماد بت‌پرستی بود، استفاده می‌شود و سپس زیر یک چتر مذهبی خاص قرار می‌گیرد. بنابراین، فکر می‌کنم این شاید پیچیده‌تر از آن چیزی باشد که گاهی اوقات متوجه می‌شویم، این تطابق بین نمادها و معنا، بین پرستش، حضور و پرستش. بنابراین، ما باید هنگام نگاه کردن به این آثار باستانی، همان ابزارها را به کار ببریم.

اما ما همچنین به متون کتاب مقدس نگاه می‌کنیم که تقریباً همیشه به صورت جمع از بعل‌ها و اشاره‌ها، هر دو به صورت جمع، نام برده‌اند. بنابراین مطمئناً پرستش و ادغام این خدایان توسط مردمان اطراف آنها، در عصر آهن، تا حد زیادی در پرستش یهوه گنجانده شده بود و وجود داشته است. ما همچنین نمونه‌های شگفت‌انگیزی از شمایل‌نگاری داریم که می‌تواند به ما در درک دین اسرائیل باستان کمک کند.

در اینجا دو مثال ارائه می‌دهم. این تصویری از تابوت آهیرام است که برخی آن را با هیرام کتاب مقدس که در بیبلوس کشف شده است، مرتبط می‌دانند. این تصویر، پادشاه متوفی را نشان می‌دهد که با نیلوفر آبی خمیده نشان داده شده است و کاسه‌ای را در مقابل میز نذورات حمل می‌کند.

اما چیزی که می‌خواهم اینجا به آن اشاره کنم این است که او پایش را روی یک چهارپایه گذاشته و تختش از کروبی‌هایی که در دو طرفش قرار دارند، کروبی‌هایی که در دو طرفش هستند، ساخته شده است. خوب، ما این را کجا شنیده‌ایم؟ خوب، در توصیف معبد سلیمان در قدس‌الاقداص، دو کروبی داریم که بر تابوت سایه انداخته‌اند. برخی می‌گویند، به نظر من درست است، که این شکل یا عملکرد نوعی تخت است.

خود صندوق عهد به عنوان چهارپایه شناخته می‌شود. بنابراین، نکته‌ای که از این تصویرسازی‌ها می‌فهمیم این است که در دریای شفافیتی که می‌توان با برخی از این شمایل‌نگاری‌ها روشن کرد، ما در قدس‌الاقداص چه داریم؟ ما مبلمان داریم. این بیانگر چیزی است که نمادین نیست.

هیچ تصویری از این خدا وجود ندارد. بلکه اثاثیه‌ای وجود دارد که خدای نامرئی بر روی آن ساکن است و بر فراز کروبیان بر تخت نشسته است. نمونه جذاب دیگر، جایگاه فرقه تنخ از قرن نهم پیش از میلاد در تنخ در حاشیه دره جزریل است. هیچ کتیبه‌ای روی آن دیده نمی‌شود، اما مطمئناً شمایل‌نگاری مذهبی را به تصویر می‌کشد که در آن یک گوساله، برخی می‌گویند یک اسب، وجود دارد، اما من آن را به عنوان یک گوساله در کنار بسیاری دیگر، با یک قرص خورشید بالدار و فرهایی در کنار آن که احتمالاً نمایانگر ستون‌ها هستند، درک می‌کنم.

بعد درختی که دو طرفش را بزهای وحشی و شیرها احاطه کرده‌اند. اینجا بالا، در کنارش کروبی‌ها را داریم. پایین، یک فضای خالی با دو کروبی داریم.

و سپس در پایین‌ترین ردیف، ما یک چهره زن با دو شیر داریم. بنابراین، تعدادی از محققان در اینجا اظهار داشته‌اند که ما تصویری از یهوه و یک خدای زن، شاید اشیرا، یا تجلی بعدی یک اشیرا خاص داریم. و بنابراین شما یهوه را دارید که به صورت انتزاعی و نمادین در نماد خورشید به تصویر کشیده شده است.

و جالب اینجاست که حزقیاء، پادشاه وفاداری که در کتاب مقدس توصیف شده است، او نیز از قرص خورشید به عنوان تصویر در شمایل‌نگاری خود استفاده کرده است. بنابراین، ما متون کتاب مقدسی نیز داریم که یهوه را با قرص خورشید مرتبط می‌دانند. بنابراین، در اینجا یهوه بر بالای یک گوساله نشسته است، که ما در مورد آن در پادشاهی شمالی شنیده‌ایم.

گوساله به عنوان وسیله نقلیه یا پایه ای برای الوهیت. کروبیانی که با یهوه مرتبط هستند. و سپس در ردیف بعدی، یک درخت مقدس، بزها و شیرها.

همه اینها به طور کلی با خدایان زن در خاور نزدیک باستان مرتبط هستند. بنابراین، برخی یهوه و اشرا را پیشنهاد کرده‌اند. و سپس یک فضای خالی با کروبیان، یهوه، با یک چهره زن و دوباره شیرها.

بنابراین، کروبیان، شیرها، شیرها. بنابراین، من یهوه و اشیره، یهوه و اشیره را پیشنهاد می‌کنم. ما در اینجا قطعاً نمونه‌ای از ترکیب سنت‌های مذهبی، صرف نظر از هویت خاص این تصاویر، داریم.

مثال آخری که داریم، که باز هم فقط مقدمه‌ای است، و می‌تواند به ما در درک گسترده‌تر دین و همچنین فرهنگ باستانی اسرائیل کمک کند، بررسی باستان‌شناسی خاور نزدیک و متون خارج از اسرائیل باستان است. بنابراین، ما معابد دیگر، سایر لوازم آیینی و متون گسترده و همچنین شباهت‌های قوم‌نگاری داریم. می‌توانیم

شباهت‌هایی را در این واقعیت ببینیم که آنها قربانی می‌کنند، در ضیافت‌های مقدس شرکت می‌کنند، تعدادی از آیین‌هایی که با آیین‌های کتاب مقدس، سرودها، معابد، کاهنان، ابزارها و بسیاری از شباهت‌های دیگر موازی هستند.

اما تفاوت‌ها، تفاوت‌های بسیاری نیز وجود دارد. البته، تفاوت اصلی، مرکزیت شیء پرستش، یعنی یهوه خدای شخصی اسرائیل باستان است. اما همچنین، برای تکمیل این دایره و پایان دادن به این موضوع، این یک تمایز جالب در نحوه عملکرد دین در رابطه با سلسله مراتب سلطنت نیز هست.

بنابراین، در تمام این زمینه‌های دیگر، به جز موارد بسیار کمی، کاهن اعظم اغلب پادشاه است یا آنها با هم در هماهنگی کار می‌کنند. دیدگاه والایی، چه از نظر سیاسی و چه از نظر مذهبی، نسبت به این شخصیت پادشاه وجود دارد. این چیزی بسیار متفاوت در دین و فرهنگ باستانی اسرائیل است، زیرا پادشاه اسرائیل که به درستی درک می‌شود، کسی جز خود یهوه نیست.

بنابراین، ما از طریق این داستان اسرائیل باستان دیده‌ایم که به جایی که در پیدایش ۱ شروع کردیم بازگشته‌ایم. یک تنش، یک تضاد بین طرح نقش خدا در رابطه‌اش با بشریت وجود دارد که در طول تاریخ اسرائیل باستان، هنگامی که آنها در برابر این طرح مقاومت می‌کردند، فراز و نشیب داشته است. اما آن دین به عنوان بیان پرستش یهوه، باید فقط و فقط به یهوه باشد، نه به یک شخصیت سیاسی یا یک ایدئولوژی ملی. بنابراین، فکر می‌کنم این چیزی است که، به ویژه این روزها، برای کسانی از ما که در زمینه ایمان هستند، باید در مورد آن فکر کنیم.

زیرا اگرچه این چیزها مدت‌ها پیش اتفاق افتاده‌اند و ما باید آنها را از لایه‌های گرد و غبار بیرون بیاوریم، اما همچنان به روش‌های جدید مرتبط و هیجان‌انگیز هستند.

این دکتر جان‌اتان گریپ و آموزه‌های او در مورد باستان‌شناسی در عهد عتیق است. این جلسه ۵، زمینه‌های فرهنگی است.